

یادداشت

بحران ونزوئلا؛ بازتعریف دکترین مونروئه و حیاط خلوت آمریکا

احمد رشیدی نژاد

پژوهشگر ژئوپلیتیک

تشن‌ها در دریای کارائیب هر روز شدت می‌گیرد و ایالات متحده و ونزوئلا در آستانه یک رویارویی تازه قرار گرفته‌اند. اوایل آگوست، رئیس‌جمهور آمریکا فرمانی صادر کرد که به پنتاگون اجازه می‌دهد برای مقابله با کارتل‌های مواد مخدر و گروه‌های «تروریستی»، از نیروی نظامی استفاده کند. این فرمان ادامه فشارهای چندساله واشنگتن علیه دولت نیکلاس مادورو است؛ فشارهایی که شامل تحریم‌های گسترده، فشار سیاسی و حمایت از خوان گوادیدو به عنوان رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلاست. در پی این تصمیم، وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز مادورو را رهبر کارتل «خورشیدها» معرفی کرده و برای بازداشت او جایزه‌ای ۵۰ میلیون دلاری تعیین کرد. هم‌زمان، حضور نظامی آمریکا در کارائیب دو برابر شده و ناو هواپیمابر «جرالد آر. فورد»، سه ناوشکن، یک زیردریایی هسته‌ای و بیش از ۱۶ هزار نظامی در منطقه مستقر شده‌اند. گزارش‌ها تاکنون از هدف قرارگرفتن دست‌کم ۲۰ قایق تندرو ونزوئلایی و کشته‌شدن بیش از ۸۰ نفر خبر می‌دهند. کاراکاس این اقدامات را «تهدید استعماری» و «برخاشگری غیرقانونی» خوانده و مادورو در سخنرانی خود دستور استقار ۲۵٫۴ میلیون نیروی شبه‌نظامی را صادر کرده است. نشریه فارن‌پالسی نیز تأکید دارد هدف اصلی دولت ترامپ از سال ۲۰۱۷، تغییر رژیم سیاسی در ونزوئلاست؛ راهبردی که به نظر ریشه‌های آن را باید در «دکترین مونروئه» جست‌وجو کرد و بر حفظ هژمونی واشنگتن در نیم‌کره غربی و جلوگیری از نفوذ رقبای ژئوپلیتیک تمرکز دارد.

دکترین مونروئه؛ ابزار توجیه مداخله

«دکترین مونروئه» که در سال ۱۸۲۳ توسط جیمز مونرو اعلام شد، بر دو اصل اساسی استوار بود: قاره آمریکا «بسته» است و اروپا حق دخالت یا استعمار دوباره در نیم‌کره غربی را ندارد؛ دوم، ایالات متحده نیز در امور داخلی اروپا مداخله نخواهد کرد. پیام اصلی این سیاست آن بود که نیم‌کره غربی، «حیاط‌خلوت» آمریکا محسوب می‌شود و کشورهای اروپایی نباید در امور کشورهای تازه‌استقلال‌یافته آمریکای لاتین دخالت کرده یا مستعمرات جدیدی ایجاد کنند. اگرچه دکترین مونروئه در آغاز رویکردی تدافعی و ضداستعماری داشت، اما در گذر زمان و به‌ویژه از اواخر قرن نوزدهم، به ابزاری برای گسترش نفوذ و مداخلات آمریکا بدل شد، به طوری که در میانه قرن نوزدهم، با تلفیق آن با ایده «سرنوشت مشهود»، گسترش قلمرو آمریکا از اطلس تا آرام توجیه شد و به جنگ با مکزیک و الحاق سرزمین‌های جدید انجامید. در ۱۹۰۴، تئودور روزولت این دکترین را به سیاست امپریالیستی تبدیل و آمریکا را به «پلیس بین‌المللی» نیم‌کره غربی بدل کرد؛ اقدامی که به مداخلات گسترده در کوبا، نیکاراگوئه و دیگر کشورها انجامید. در دوران جنگ سرد نیز این دکترین بار دیگر احیا شد؛ این‌بار آژن‌هاوار با استناد به آن در گواتمالا، کوبا و حمایت از جنبش‌های ضدکمونیستی در آمریکای مرکزی مداخله کرد. به این ترتیب، سیاستی که در ابتدا ضداستعماری بود، به‌تدریج به ابزار سلطه و مداخله‌گری آمریکا در سطح منطقه و فراتر از آن تبدیل شد. در قرن حاضر نیز هرچند اشاره مستقیم به دکترین مونروئه کاهش یافته است، اما اصول آن همچنان در سیاست خارجی آمریکا حضور دارد. دراین‌باره، جان بولتون در سال ۲۰۱۹ آشکارا اعلام کرد این دکترین برای دولت ترامپ «زنده و پابرجاست» و آن را علیه کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه به کار گرفت. در همین راستا، سناتور لیندسی گراهام با یادآوری عملیات پاناما در ۱۹۸۹، وضعیت کنونی را مشابه دانست و ونزوئلا، کلمبیا و کوبا را «خلافت مواد مخدر» نامید. این اظهارات نشان می‌دهد دکترین مونروئه نه‌تنها میراثی تاریخی، بلکه ابزاری فعال برای مشروعیت‌بخشی به مداخلات احتمالی آینده، از جمله اقدام نظامی علیه ونزوئلا، در قفتمان سیاسی واشنگتن باقی مانده است.

ونزوئلا عرصه رقابت قدرت‌ها

دلیل اصلی خشم استراتژیک واشنگتن از دولت نیکلاس مادورو را باید فراتر از مسائل داخلی جست‌وجو کرد؛ زیرا بنا بر باور مقامات آمریکایی، ونزوئلا به پایگاهی برای نفوذ رقبای جهانی آمریکا تبدیل شده است. این تحول در واقع نقض آشکار روح دکترین مونروئه محسوب می‌شود؛ دکترینی که همواره نیم‌کره غربی را حوزه نفوذ انحصاری ایالات متحده تعریف کرده است. در همین چارچوب، ونزوئلا با جذب سرمایه‌گذاری‌های کلان و ایجاد پیوندهای استراتژیک با قدرت‌های رقیب، عملاً بر این اصل تاریخی خط بطلان کشیده است. چین اما با تبدیل‌شدن به بزرگ‌ترین طلبکار و خریدار نفت ونزوئلا، از طریق اعطای وام‌های سنگین و فروش تسلیحات، حضور خود را در قلب قاره تثبیت کرده است. روسیه نیز با گسترش همکاری‌های نظامی و امنیتی، ونزوئلا را به ابزاری برای به‌چالش‌کشیدن نفوذ سنتی واشنگتن در منطقه بدل کرده است. حتی همکاری‌های نامدین با ایران، به عنوان بخشی از یک جبهه ضدآمریکایی، حساسیت موقعیت کنونی را دوچندان کرده است. از نگاه استراتژیست‌های آمریکایی، ونزوئلا اکنون به یک «پل نفوذ» خطرناک برای رقبای جهانی تبدیل شده و این امر تهدیدی مستقیم برای هژمونی تاریخی ایالات متحده در «حیاط‌خلوت» خود به شمار می‌رود. در سناریو سقوط موفق دولت مادورو، دستاورد واشنگتن فراتر از دست‌یابی به بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان خواهد بود. آمریکا نه‌تنها به منابع عظیم هیدروکربنی ونزوئلا -که دلسی رودریگز، وزیر نفت این کشور آن را هدف اصلی واشنگتن دانسته- دسترسی مستقیم و انحصاری پیدا می‌کند، بلکه کنترل یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انرژی چین را نیز به دست خواهد آورد. آمارها نشان می‌دهد بیش از ۸۰ درصد صادرات نفت ونزوئلا در ماه‌های اخیر راهی چین شده است؛ قطع ناگهانی این جریان، در صورت استقرار دولتی دست‌نشانده در کاراکاس، ضربه‌ای جدی به امنیت انرژی پکن وارد می‌سازد. چین که ونزوئلا را «شریک در همه فصول» می‌خواند و میلیاردار دلار در صنعت نفت آن سرمایه‌گذاری کرده، ناگهان با بحران تأمین نفت سنگین مورد نیاز صنایع خود روبه‌رو خواهد شد؛ بحرانی که وابستگی استراتژیک این کشور را آشکارتر از همیشه می‌کند. چنین تحولی به آمریکا امکان می‌دهد دو هدف کلیدی را هم‌زمان محقق کند: نخست، حذف یک رژیم مخالف و بازگرداندن ونزوئلا به دایره نفوذ انحصاری خود در چارچوب دکترین مونروئه؛ دوم، دراختیارگرفتن اهرمی قدرتمند برای فشار بر رقیب اصلی جهانی، یعنی چین. کنترل شیرهای نفت ونزوئلا به واشنگتن این توان را می‌دهد که نه‌تنها اقتصاد چین را تحت تأثیر قرار دهد، بلکه سد بزرگی در برابر بلندپروازی‌های ژئوپلیتیک پکن ایجاد کند.

نتیجه‌گیری

در نهایت، بحران کنونی ونزوئلا صحنه‌ای پیچیده است که در آن یک روایت ضعیف (مبارزه با مواد مخدر)، برای پوشش اهدافی عمیقاً استراتژیک به کار گرفته می‌شود. احیای فعال دکترین مونروئه توسط واشنگتن، نشان‌دهنده عزم راسخ آن برای حذف حکومتی است که به پایگاهی برای نفوذ رقبای جهانی -به‌ویژه چین و روسیه- در قلب «حیاط‌خلوت» آمریکا تبدیل شده است. در کانون این تقابل، نفت به عنوان اهرم نهایی ژئوپلیتیک قرار دارد؛ کنترل ذخایر عظیم ونزوئلا نه‌تنها هژمونی انرژی آمریکا را تضمین می‌کند، بلکه با در دست‌گرفتن کلواگاه انرژی چین، ابرقدرتی رقیب را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار می‌دهد؛ بنابراین تنش در کارائیب فقط یک مناقشه مرزی نیست، بلکه نبردی برای تعیین معماری قدرت در قرن بیست‌ویکم است.

شرق؛ دیپلماسی در اتاق‌های در بسته مسکو بخ

زد، اما در آب‌های آزاد، جنگ وارد فاز جدیدی از ویرانی زیرساخت‌های انرژی شده و «پهادهای انتحاری» جایگزین دست‌دادن دیپلمات‌ها شده‌اند. نشست ماراتن کونه در کرملین میان ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و فرستادگان ارشد ایالات متحده، استیو ویتکاف و جرد کوشنر، بدون دستیابی به توافقی برای پایان‌دادن به جنگ به پایان رسید؛ هرچند یک مقام ارشد روسی این گفت‌وگوها را «مفید» و «سازنده» توصیف کرد. یوری اوشاکوف، دستیار سیاست خارجی کرملین که در این جلسه حضور داشت، تصریح کرد مسئله قلمرو یکی از مهم‌ترین مسائل

قلمرو و سرزمین به عنوان یکی از اصلی‌ترین سنگ‌های لغزش در مسیر توافق ظاهر شده است. روسیه خواستار آن است که یک‌طرفه تمام منطقه شرقی دونباس اوکراین را واگذار کند. در مقابل، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، تسلیم‌کردن سرزمینی را که روسیه طی نزدیک به چهار سال جنگ نتوانسته تصرف کند، رد کرده است. زلنسکی گفت یک‌طرفه منتظر است نتایج نشست مسکو را بداند و اینکه تضمین‌های امنیتی قوی و سوالات مربوط به کنترل قلمرو اوکراین، مسائل اصلی برای یک‌طرفه باقی مانده‌اند.

پیش از نشست، پوتین رهبران اروپایی را متهم کرد سعی می‌کنند تلاش‌های صلح را خراب کنند و تغییرات اخیر پیشنهادی در طرح صلح آمریکا برای اوکراین را «مطلقاً غیرقابل قبول» خواند. او گفت روسیه آماده است در صورت حمله، با اروپا بجنگد. پوتین روز سه‌شنبه در یک مجمع سرمایه‌گذاری در مسکو، هنگامی که درباره تقویت دفاعی اروپا مورد پرسش قرار گرفت، گفت: «ما برنامه‌ای برای جنگ با اروپا نداریم، من این را صد بار گفته‌ام. اما اگر اروپا بخواد با ما بجنگد و آن را شروع کند، آنگاه ما همین الان آماده‌ایم». این اظهارات نشان‌دهنده برخی از تدریج‌ناتقادات پوتین از اروپا بود، درحالی‌که او به دنبال دامن‌زدن به تفرقه در ائتلاف ترانس آتلانتیک است. روند صلح به رهبری آمریکا، متحدان نزدیک اروپایی را نگران کرده است؛ آن‌هم پس از افشای پیش‌نویس طرح صلحی در ماه گذشته که به نظر می‌رسید به‌شدت به نفع روسیه باشد. طرح اصلی ۲۸ ماده‌ای خواستار محدودکردن اندازه ارتش اوکراین به ۶۰۰ هزار پرسنل، مسدودکردن مسیر کشور برای پیوستن به ناتو و ممنوعیت باگذاشتن نیروهای ائتلاف نظامی به قلمرو یک‌طرف بود. این طرح همچنین خواستار تسلیم زمین‌های اوکراینی به‌شدت مستحکم شده بود؛ بندی که متحدان اروپایی اوکراین گفتند به مسکو برای تهاجمش پاداش می‌دهد. به گزارش وال‌استریت ژورنال، مقامات اروپایی موفقیت‌هایی در عقب‌راندن طرح اولیه آمریکا داشته‌اند، از جمله افزایش سقف نیروهای مسلح اوکراین به ۸۰۰ هزار پرسنل که به قدرت فعلی آنها نزدیک‌تر است و موکول‌کردن مسئله زمین به بحث‌های میان رهبران آمریکا و اوکراین. تصاویر منتشرشده توسط رسانه‌های دولتی روسیه، ویتکاف و کوشنر را نشان می‌داد که روز سه‌شنبه با پوتین و امین کرملین، کریل دیمیتریف، دیدار می‌کردند؛ کسی که در طرح ۲۸ ماده‌ای تدوین‌شده از سوی ویتکاف و کوشنر نقش داشته است.

جنگ نفت‌کش‌ها در دریای سیاه

در این میان، پوتین سیگنال داده پیشروی اخیر روسیه در

پایان بی‌نتیجه مذاکرات فرستادگان ترامپ با ولادیمیر پوتین برای توقف جنگ

بن‌بست در ماراتن ۵ ساعته کرملین



میدان نبرد ادامه خواهد یافت. او گفته اگر یک‌طرف تسلیم شرایط او نشود، نیروهایش سرانجام سرزمینی را که او طمع دارد، تصرف خواهند کرد. هم‌زمان با بن‌بست در خشکی، خورشید روز جمعه بر دریای سیاه غروب می‌کرد که یک پهاد دریایی به‌سرعت به سمت یک نفت‌کش که عازم بندری در روسیه بود، حرکت کرد. پهاد «سی بیبی» (Sea Baby) که توسط سرویس‌های امنیتی اوکراین توسعه یافته، لحظاتی بعد به بدنه کشتی کوبید و گلوله‌ای از آتش را شعله‌ور کرد که آسمان صورتی‌رنگ را روشن کرد. تصاویر بی‌کیفیتی که اطلاعات اوکراین می‌گوید حمله به یک نفت‌کش مرتبط با روسیه را نشان می‌دهد، نگاهی اجمالی به کمپین در حال گسترش یک‌طرف علیه معماری انرژی روسیه ارائه می‌دهد. اوکراین اکنون «ناوگان سایه» کرملین را هدف قرار می‌دهد که به شبکه ماتی از کشتی‌ها متکی است تا تحریم‌ها بر صادرات نفتش را دور بزند و بودجه جنگش در اوکراین را دور کند. در روزهای اخیر، یک‌طرف به حملات پهادی به دو نفت‌کش تحریم‌شده و مرتبط با روسیه در سواحل ترکیه در دریای سیاه ادعان کرده است. این نخستین بار در سال جاری است که اوکراین مسئولیت چنین انفجارهایی را بر عهده گرفته که حدود نیم‌دوجین مورد دیگر از آنها از ژانویه وجود داشته است. در پاسخ، ولادیمیر پوتین عهده کرد حملات به ناودر اوکراین و کشتی‌هایی را که وارد آنها می‌شوند، گسترش دهد. پوتین روز سه‌شنبه با لحنی تهدیدآمیز گفت: «رادیکال‌ترین گزینه این است که اوکراین را از دریا قطع کنیم، آنگاه دزدی دریایی به‌طور کلی غیرممکن خواهد شد». یک‌طرف هفته گذشته همچنین به یک ترمینال نفتی بزرگ در سواحل دریای سیاه روسیه ضربه زد که بیش از یک درصد محموله‌های نفتی جهانی را جابه‌جا می‌کند.

خفگی اقتصادی و جزئیات ناوگان سایه

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، روز دوشنبه گفت: «جنگ بین روسیه و اوکراین به‌وضوح شروع به تهدید ایمنی دریاوندی در دریای سیاه کرده است». ناوگان سایه روسیه به تکه‌دوری پراکنده‌ای از تیت کشتنی‌های ملی متکی است تا به آن اجازه دهد نفت خام تحریم‌شده را از طریق کشتی‌های اغلب فرسوده حمل کند. بااین‌حال، حملات اوکراین ریسک جابه‌جایی نفت خام را برای روسیه بالا می‌برد؛ زیرا یورش‌ها حق بیمه کشتی‌ها را افزایش می‌دهد و نهایتاً درآمدهای تأمین‌کننده جنگ پوتین را می‌تراشد.

آدی ایسیریووچ، مدرس انرژی در دانشگاه آکسفورد گفت: «این بهترین استراتژی است که اوکراین دارد؛ آنها می‌توانند به اقتصاد ضربه بزنند تا در مذاکرات به روسیه فشار بیاورند». نیروی دریایی و سرویس امنیتی SBU اوکراین در حمله روز جمعه به دو نفت‌کش که برای حمل نفت روسیه تحریم شده بودند، از پهادهای «سی بیبی» استفاده کردند. نفت‌کش‌های ۹۰۰فوتی «کایروس» و ۸۰۰فوتی «ویرات» که در راه بندر نووروسیسک روسیه بودند، در امتداد سواحل دریای سیاه

گزارش

تعلیق پردازش درخواست مهاجرتی شهروندان ۱۹ کشور

ایالات متحده پردازش همه درخواست‌های مهاجرتی شهروندان ۱۹ کشور، از جمله ایران، افغانستان و سومالی را به دلیل نگرانی‌های امنیت ملی و ایمنی عمومی به حالت تعلیق درآورده است. این اقدام یک هفته پس از آن انجام می‌شود که یک تبعه افغان به اتهام تراندازی به دو سرباز گارد ملی در نزدیکی کاخ سفید بازداشت شد؛ حادثه‌ای که در آن یک نفر کشته و دیگری به‌شدت زخمی شد. طبق یک یادداشت رسمی، این تعلیق شامل پردازش اقامت دائم (گرین‌کارت) و شهروندی آمریکا نیز می‌شود. کشورهایی که تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، شامل میانمار (برمه)، چاد، جمهوری کنگو، کینه‌استوایی، اریتره، هائیتی، ایران، لیبی، سودان، یمن، بوروندی، کوبا، لانوس، سیرالئون، توگو، ترکمنستان و ونزوئلا هستند.

این یادداشت، بررسی همه‌فرم‌های I-589 (درخواست پناهندگی و توقف اخراج) را بدون توجه به کشور تابعیت متقاضی به حالت تعلیق درمی‌آورد. همچنین بررسی تمام درخواست‌های در حال پردازش متعلق به افراد از کشورهای مشمول را متوقف می‌کند و بازبینی جامعی برای درخواست‌های تأییدشده افرادی از این کشورها که در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱ یا پس از آن وارد آمریکا شده‌اند، انجام می‌دهد. در این یادداشت آمده است: «این سند الزام می‌کند همه اتباعی که مشمول این معیارها می‌شوند، فرایند بازبینی کامل را طی کنند؛ ازجمله انجام یک مصاحبه احتمالی و در صورت لزوم، مصاحبه مجدد، تا همه تهدیدهای بالقوه امنیت ملی و ایمنی عمومی و همچنین دیگر دلایل مرتبط با نگرانی‌ها یا احرازنشدن صلاحیت به‌طور کامل ارزیابی شوند». این سیاست همچنین ادامه همان ممنوعیت سفر جزئی است که در ماه ژوئن برای فهرست مشابهی از کشورها اعمال شده بود. در این سند آمده است: «آمریکا به‌تازگی دیده است که نبود غربالگری، بررسی امنیتی و اولویت‌بندی رسیدگی سریع به پرونده‌ها چه پیامدی می‌تواند برای مردم آمریکا داشته باشد. اداره خدمات شهروندی و مهاجرت آمریکا (USCIS) نقش اساسی در جلوگیری از پناه‌گرفتن تروریست‌ها در ایالات متحده و تضمین این دارد که روند غربالگری، بررسی امنیتی و رسیدگی به پرونده‌ها، ایمنی مردم آمریکا را در اولویت قرار دهد و همه قوانین آمریکا را رعایت کند». دستورالعمل جدید، همه پرونده‌های در حال پردازش را متوقف می‌کند و الزام می‌کند که مهاجران از کشورهای مشخص‌شده کاملاً دوباره ارزیابی شوند. تام هومن، مسئول ارشد سابق امور مهاجرت و اجرای قوانین، پیش‌تر درباره راستی‌های روند غربالگری افغان‌ها هشدار داده بود. او گفت: «این بزرگ‌ترین شکست امنیت ملی در تاریخ کشور است».

اخطار به طلاق

سر کار خانم تمنا محمدی به اطلاع می‌رساند که همسر شما آقای پیام میرزایی فرزند ابرج جهت اجرای دادنامه طلاق به شماره ۱۰۱۵۲۵۸۴۱/۱۴۰۴۸۳۹۰/تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ صادره از شعبه ۲۰۳۸ دادگاه خانواده مجتمع قضایی خانواده ۲ تهران، به این دفترخانه مراجعه و تقاضای ثبت طلاق نمودند تلاش اینجانب جهت انصراف نامبرده از طلاق مؤثر واقع نشد لذا در اجرای قانون حمایت خانواده بدین وسیله به شما اخطار می‌گردد ظرف مدت هفت روز از تاریخ ابلاغ این اخطار به جهت اجرای دادنامه به این دفترخانه واقع در تهران، پونک، سردار جنگل خیابان مغربی، پلاک ۸۷، واحد ۲ مراجعه نمایید و یا در صورت مانع شرعی و قانونی مراتب را رسماً اعلام نمایند در غیر اینصورت برابر مقررات و ضوابط شرعی و قانونی نسبت به اجرای دادنامه اقدام می‌گردد.

سر دفتر طلاق شماره ۱۹۳ تهران — عزت اله نوری گرج

دعوت به همکاری

درخواست همکاری مسئول فنی در رشته ها

- مهندسی شیمی گرایش صنایع غذایی
- مهندسی صنایع غذایی

شماره تماسی ۰۵۴ – ۳۵۳۱۳۱۸۹

برگ سبز و سند کمپانی خودروی سواری سیستم **پژوتیپ۱۴۰۵ال ایکس ای ۱/۸**مدل ۱۳۸۷ به رنگ خاکستری به شماره پلاک ۴۶ ق ۳۶۹ ایران ۹۴ شماره موتور ۱۲۴۸۷۱۳۸۰۵۲ شماره شاسی NAAM01CA19R282927 به نام **آقای حمید نار مندی** مفقود گردیده اند و از درجه اعتبار ساقط می باشند.

برگ سبز (سند مالکیت) خودروی سواری سیستم **سایپاتیپ 131SE** مدل ۱۳۹۴ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک انتظامی ۳۵ ق ۷۱۶ ایران ۹۴ شماره موتور ۵۳۷۹۹۶۵ شماره شاسی NAS41۱100F342077۱ بنام **آقای امیر کر غلی پور** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت دانشجویی **اینجانب زینب ناظمی** با شماره دانشجویی ۴۰۰۲۳۵۰۷۹ از دانشگاه شهید بهشتی رشته مهندسی عمران در مقطع کارشناسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و برگ کارخانه خودروسواری ۹۰(لوگان) سفید رنگ مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ۱۸/ایران ۳۴۴ ل ۳۶ به شماره موتور K4MA690-W201463 و شماره شاسی NAPLSRALDJI1361719 بنام **آقای هادی حیدری** به شماره ملی ۳۸۷۱۵۹۲۶۸۴ در تاریخ ۱ آذر ۱۴۰۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.